



کورش بزرگ (کورش شناسی)

تحلیل منشور کورش بزرگ

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۳۰ تیر ۱۳۹۲ - ۱۳ دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

منشور کورش بزرگ بسیاری از ترجمه‌های ناقص و دارای عیب و اشکال منشور کورش بزرگ که در فضای تارکده (اینترنت) و بسیاری از کتاب‌ها موجود هستند؛ در واقع فقط ترجمه‌ای فارسی از برگردان‌های انگلیسی یا فرانسوی نوشته‌های این استوانه می‌باشند که اشتباهات و معایب زیادی دارند. اما فرهنگستان فارسی برآن شد تا نسخه‌ای دقیق و معتبر از ترجمه‌ی این فرمان را در اختیار همگان قرار دهد. این ترجمه‌ی مستقیم با کوشش پروفیسور عبدالمجید ارفعی و با همکاری پروفیسور پاول ریچارد برگر گردآمده است. ... عبدالمجید ارفعی این منشور را م



منشور کوروش بزرگ

بسیاری از ترجمه های ناقص و دارای عیب و اشکال منشور **کوروش بزرگ** که در فضای تارکده (اینترنت) و بسیاری از کتاب ها موجود هستند؛ در واقع فقط ترجمه ای فارسی از برگردان های انگلیسی یا فرانسوی نوشته های این استوانه می باشند که اشتباهات و معایب زیادی دارند.

اما فرهنگستان فارسی برآن شد تا نسخه ای دقیق و معتبر از ترجمه ی این فرمان را در اختیار همگان قرار دهد. این ترجمه ی مستقیم با کوشش پروفسور عبد المجید ارفعی و با همکاری پروفسور پاول ریچارد برگر گردآمده است.

...



عبدالمجید ارفعی

این منشور را می توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش نخست احتمالاً سخن های یک فرد بابلی است که شرایط را توضیح می دهد و بخش دوم سخنان کوروش و یا گزارشی از سخنان کوروش بزرگ می باشد.

نکته نظر پارسیان دژ : آن شخص بابلی از بدکاری های مردوک می گوید

متن استوانه کوروش بزرگ

بخش نخست:

۱.[بنا کرد] (؟)

۲. گوشه ی جهان.

۳. ناشایستی شگرف بر سروری [۱] کشورش چیره شده بود [۲]

۴. (فرمود تا به زور) باج گندم و دهش رمه بر آنان بنهند [۳]

۵. (پرستشگاهی) همانند آسنگیل Esangila بنا کرد ... از برای او ur و دیگر جای های مقدس

۶. با آیین هایی نه در خور ایشان، آیین پیش کشی قربانی ای نهاد که (پیش از آن) نبود. هر روز به گونه ای گستاخانه و خوار کننده سخن می گفت، و نیز با بدکرداری از بهر خوار کردن (خدایان) [۴]

۷. بردن نذورات را (به پرستشگاه ها) برانداخت. [او (همچنین) در آیین ها (به گونه هایی ناروا) دست برد. اندوه و ناشادمانی] را به (= در) شهرهای مقدس بپیوست. او پرستش مردوک Marduk پادشاه خدایان را از دل خویش

پشت.

۸. کسی که همواره به شهر وی (= شهر مردوک = Bābīlīon) تباهکاری روا می داشت (و) هر روز [به آزدن (آن) سرزمین دست (می یازید)، مردمانش] را با یوغی بی آرام به نابودی می کشانید، همه ی آن ها را.

۹. از شکوه های ایشان انلیل Enlil خدایان (= سرور خدایان = مردوک) سخت به خشم آمد. [جای های مقدس رها شدند و یادنامی (آن) پرستشگاه ها (= آثار) به فراموشی سپرده شد]. دیگر خدایان باشند در میان ایشان (نیز) پرستشگاه های خویش را ترک کردند.

۱۰. در (برابر) خشم وی (= مردوک) او (= نیونئید Nabūna'id) آنان (= پیکره های خدایان) را به بابل فرا برد. لیک مردوک، [آن بلند پایه که آهنگ جنگ کرده بود]، از بهر همه ی باشندگان روی زمین که جای های زندگیشان ویرانه گشته بود،

۱۱. و (از بهر) مردم سرزمین های سومر Sumer و اکد Akkadī که (بسان) [کالبد] مردگان (بیجان) گشته بودند، او (= مردوک) از روی اراده و خواست خویش روی به سوی آنان باز گردانید و بر آنان رحمت آورد و آنان را ببخشد.

۱۲. (مردوک) در میان همه ی سرزمین ها، به جستجو و کاوش پرداخت، به جستن شاهی دادگر، [۵] آنگونه که خواسته ی وی (= مردوک) باشد، شاهی که (برای در پذیرفتن او) دستان او به دست خویش گرفت. [۶]

۱۳. او (= مردوک) کورش، پادشاه شهر انشان Anšan را به نام بخواند (برای آشکار کردن دعوت وی) و او را به نام بخواند (از بهر) پادشاهی بر همه ی جهان.

او (= مردوک) سرزمین گوتیان Quṭi و تمامی سپاهیان Manda مند (= مادها)، [۷] را به فرمانبرداری از او (= کورش) واداشت. [۸] او (مردوک) - (واداشت تا) - مردم، سیاه سران، [۹] به دست کورش شکست داده شوند.

۱۴. (در حالی که) او (= کورش) با راستی و داد پیوسته آنان را شبانی می کرد، خدای بزرگ، نگاهبان مردم خویش، با

شادی به کردارهای نیک و دل (پر از) داد او (= کورش) نگریست.

۱۵. (پس) او را فرمود که به سوی شهر وی، بابل، پیش رود. (مردوک) او (= کورش) را برانگیخت تا راه بابل را در سپرد (و خود) همانند دوست و همراهی در کنار وی همواره گام برداشت.

۱۶. (در حالی که) سپاهیان بی شمار او [۱۰] که همانند (قطره های) آب یک رود به شمارش درمی آمدند، [۱۱] پوشیده در ساز و برگ جنگ، [۱۲] در کنار وی گام برمی داشتند.

۱۷. او (= مردوک) بی هیچ کارزاری وی (= کورش) را به شهر خویش، بابل، فرا برد. (مردوک) بابل را از هر بدبختی برهانید (و) نبوئید را -پادشاهی که وی (= مردوک) را پرستش نمی کرد- به دست او (= کورش) سپرد. [۱۳]

۱۸. همه ی مردم بابل، همگی (مردم) سومر و اکد، (همه ی) شاهزادگان و فرمانروایان [۱۴] به وی (= کورش) نماز بردند و بر دو پای او بوسه دادند (و) از پادشاهی اش شادمان گردیده، چهره ها درخشان کردند.

۱۹. سروری که به یاری وی خدایان (؟) در خطر مرگ (قرار گرفته) زندگی دوباره یافتند و از گزند و آسیب رها شدند، (و) همه ی خدایان (؟) به شادی او را همی ستودند و نامش را گرامی داشتند.

بخش دوم:

۲۰. من، کورش، پادشاه جهان، شاه بزرگ، شاه نیرومند، شاه بابل، شاه سومر و اکد، شاه چهار گوشه ی جهان،

۲۱. پسر کمبوجه، شاه بزرگ، شاه (شهر) انشان، نوه ی [۱۵] کورش، شاه بزرگ، شاه (شهر) انشان، نبیره ی پیش پیش، شاه بزرگ، شاه (شهر) انشان،

۲۲. از تخمه ی پادشاهی ای جاودانه، آن که پادشاهیش را خداوند [۱۶] (= مردوک) و نبو Nabû دوست می دارند و از

بهر شادی دل خویش پادشاهی او را خواهند.

آنگاه که من (= کورش) آشتی خواهان به بابل اندر شدم، [۱۷]

۲۳. با شادی و شادمانی در کاخ شهریاری خویش، اورنگ سروری خویش بنهادم، مردوک، سرور بزرگ، مهر دل گشاده ام را که د[وستدار] بابل است به خواست خود به [خویشتن گروانید] (پس) هر روز پیوسته در پرستش او کوشیدم. [۱۸]

۲۴. (و آنگاه که) سربازان بسیار [۱۹] من دوستانه اندر بابل گام برمی داشتند، من نگذاشتم کسی (در جایی) در تمامی سرزمین های سومر و اکد ترساننده باشد.

۲۵. من (شهر) بابل و همه ی (دیگر) شهرهای مقدس را در فراوانی نعمت پاس داشتم. درماندگان باشنده در بابل را که (نبوتئید) ایشان را به رغم خواست خدایان یوغی [۲۰] داده بود (؟) نه در خور ایشان،

۲۶. درماندگی هاشان را چاره کردم و ایشان را از بیگاری برهانیدم. [۲۱]

مردوک، خدای بزرگ از کردارهای من شاد شد و

۲۷. (آنگاه) مرا، کورش، پادشاهی که پرستنده ی وی است و کمبوجیه، فرزند زاده شده ی من و همگی سپاهیانم را

۲۸. با بزرگواری، افزونی داد و ما به شادمانی، در آشتی تمام، کردارهایمان به چشم او زیبا جلوه کرد و والاترین پایه ی [۲۲] [خدائیش] را ستودیم. به فرمان او (= مردوک) همه ی شاهان بر اورنگ شاهی برنشسته

۲۹. و همگی (شاهان) جهان [۲۳] از زیرین دریا [دریای بالا] (= دریای مدیترانه) تا زیرین دریا [دریای پایین] (= دریای پارس)، (همه ی) باشندگان سرزمین های دور دست، همه ی شاهان آموری، [۲۴] باشندگان در چادرها همه ی آن ها

۳۰. باج و ساو بسیارشان[۲۵] را از بهر من (= کورش)؛ به بابل اندر آوردند و بر دو پای من بوسه دادند.

از ... تا (شهر) آشور Aššur و شوش MUŠ. ERIN = Šusan

۳۱. آگاده Agade، سرزمین اشنونا Ešnunna، (شهر) زمین مه - تورنو Mē - Turnu، دیر Dēr تا (پایان) نواحی سرزمین گوتیان و نیز (همه ی) شهرهای مقدس آن سوی دجله که از دیرباز ویرانه گشته بود،[۲۶] (از نو باز ساختم).

۳۲. (و نیز پیکره ی) خدایانی را که در میانه ی آن شهرها (= جای ها) به جای های نخستین بازگردانیدم و (همه ی آن پیکره ها را) تا به جاودان در جای (نخستین شان) بنشاندم (و) همگی آن مردم را (که پراکنده بودند)، فراهم آوردم و آنان را به جایگاه های خویش بازگردانیدم.

۳۳. (و نیز پیکره ی) خدایان سومر و اکد را که نبونئید (بی بیم) از خشم سرور خدایان (= مردوک) با بابل اندر آورده بود، به فرمان مردوک، خدای بزرگ به شادی و خوشی

۳۴. در نیایشگاه هایشان بنشاندم -جای هایی که دل آن ها شاد گردد- باشد که خدایانی که من به جای های مقدس (نخستین شان) باز گردانیدم،

۳۵. هر روز در برابر خداوند (= مردوک) و نبو زندگی دیریازی از بهر من بخواهند[۲۷] و هماره در پایمردی من سخن ها گویند، با واژه هایی نیک خواهانه باشد که به مردوک، خدای من، گویند که «به کورش، پادشاهی که (با بیم) تو را پرستنده است و کمبوجیه پسرش،

۳۶. بی گمان باش، بهل تا آن زمان باز سازنده باشند ... با روزهایی بی هیچ گسستگی.» همگی مردم بابل پادشاهی را گرامی داشتند و من همه ی (مردم) سرزمین ها را در زیستگاهی آرام بنشانیدم.

۳۷. یک ؟ غاز، دو اردک و ده قمری (فربه) بیش از (رسم معمول دادن) غازها، اردک ها و قمریان (معین کردم)

۳۸. بلند و بر آن ها بیفزودم. در استوار گردانیدن ب[نای] باروی «ایمگور - انلیل Imgur - Enlil» باروی بزرگ شهر بابل کوشیدم[۲۸] و

۳۹. دیوار کناره ای (ساخته از) آجر را بر کنار خندق شهر که (یکی از) شاهان پیشین [ساخته و (بنایش را) به انجام رسانیده] بود،

۴۰. [بدانسان که] بر پیرامون [شهر (به تمامی) برنیامده بود]، [۲۹] آنچه را که هیچ از یک شاهان پیشین (با وجود) افراد به بیگاری گرفته شده ی [کشورش] در بابل نساخته بودند،

۴۱. [..... از قیر] و آجر از نو بار دیگر بساختم و [بنایشان] [۳۰] [را به انجام رسانیدم].

۴۲. [دروازه های بزرگ وسیع مر آن ها را بنهادم و درهایی از چوب سدر] با پوششی از مفرغ، با آستانه ها و پاشنه [هایی از مس ریخته شده هر آن جایی که دروازه ها] ایشان (یافت می شد)،

۴۳. [استوار گردانیدم نشسته ای لوحه ای (در بردارنده ی) نام آشور بانی پال Aššur - bāni - apli شاهی پیش [۳۱] از من [در میان آن (= بنا) بدیدم].

۴۴.

۴۵. تا به روز جاودان.

پانوشت ها :

[۱] استفاده از واژه ی enūto «سروری» (صفت از واژه ی EN سومری به معنی خداوند، صاحب) احتمالا نمایانگر آن است که هنوز اعتقاد ابتدایی راجع به نزدیکی بسیار بین قدرت حیاتی فرمانروا و ترقی و پیشرفت کشور در میان نویسندگان بابلی رواج داشته. نقل از مرحوم پروفیسور «ا. لئو اوپنهایم» (A. Leo)

(Oppenheim)

رجوع کنید به :

Anceint Near Eastern Texts Related to Old Testament, ed. James B. Pritchard, 3rd ed.
With Supplement (Princeton: Princeton University Press, 1696), P. 315, n. 1

[۲] معنی لغوی : قرار گرفته بود.

[۳] پیش از دوباره خوانی لوحه توسط آقای پروفسور «Paul Richard Berger» به جای واژه ی (؟) buli واژه ی tamšili بازسازی شده بوده است و از این رو این سطر به گونه ی زیر ترجمه شده بود:
«... نبوئید راستین پیکره های خدایان را از اورنگ هاشان برداشته و [(دیگران را) بر آن واداشت تا پیکره های (دروغین) بر آن ها (= اورنگ ها) جای دهند.»
نسخه برداری اینجانب وجود bu را تایید نمی کند و آنچه باقی مانده به šī شباهت بیشتری دارد.

[۴] در بازسازی پایان سطر ۶ اختلاف نظرهایی وجود دارد. در بازسازی پایان سطر ۶ اینجانب نظر شادروان اوپنهیم و فرهنگ آشوری شیکاگو را نقل کرده است. در فرهنگ آشوری شیکاگو (Assyrian Dictionary Chicago) جلد سوم D ص ۱۱ شماره ی ۳ در ذیل واژه ی «dabābu» این عبارت به صورت زیر بازسازی شده است.

Umišamma iddinibub šipr{I m}agritim

«هر روز از رفتارهای خوار کننده سخن می گفت»

و این بازسازی در ترجمه ی شادروان پروفسور اوپنهیم نیز آشکار است.

آقای پروفسور برگر این شکستگی را «u ana magriti» بازسازی کرده که با بررسی های دوباره توسط اینجانب و خود آقای برگر، به جهت نبودن فضای کافی برای واژه ی «ana» این بازسازی کنار نهاده شد.

[۵] معنی لغوی : درست، با تقوی

[۶] شادروان اوپنهیم از آن جهت که شاه می بایست در هنگام آیین های سال نو دست خداوند مردوک

را بگیرد این قسمت را چنین ترجمه کرده :

«شاهی که (در آیین سال نو akîtu) یاری اش کند».

[۷] واژه ای که به «ماد» باز گردانیده شده به دو صورت «Ummānmanda» ماد و «Umman Manda» سپاهیان ماد خوانده و ترجمه شده است.

[۸] معنی لغوی : آن ها را واداشت تا (در برابر) دو پایش نماز برند.

[۹] واژه ی «šalmat qaqqadi» به معنی سیاه سران استعاره ای شاعرانه است برای مردم به طور کلی به سبب آفریده شدن از جانب خدایان و شبانی -نگهبانی- شدن از جانب شاه.

[۱۰] معنی لغوی: به گونه ی وسیعی گسترده.

[۱۱] معنی لغوی: شمارش آن ها غیر قابل شناخت و فهم است.

[۱۲] معنی لغوی: سلاح هایشان بسته شده.

[۱۳] معنی لغوی: دستانش (= دستان کوروش) را از او (= نبونئید) پر کرد.

[۱۴] واژه ی «šakkannakkî» که در این جا به «فرمانروایان» بازگردانیده شده، حکمرانان محلی به ویژه امرای دست نشاندۀ ای بوده اند که در سرزمین های فتح شده از سوی پادشاه پیروز به حکمرانی منصوب می شده اند.

[۱۵] معنی لغوی: پسر پسر.

[۱۶] واژه ی «EN = bēl» به معنی مطلق «خداوند» در این زمان تنها برای خداوند مردوک بکار برده می شده است.

[۱۷] در سال هفدهم نبونئید سپاهان کوروش در ماه تشریتو Tašrîtu (شهریور- مهر سال ۵۳۹ پیش از میلاد) برای نخستین بار سپاهان بابل را به فرماندهی پسر نبونئید در محلی به نام اپیس Opis شکست می دهند. در این هنگام مردم بابل بر (نبونئید) سر به شورش برمی دارند، اما این شورش را نبونئید با کشتاری سهمگین سرکوب می کند. روز چهاردهم تشریتو (۱۰ مهر ماه) شهر سیپار sippar در شصت کیلومتری شمال بابل به دست سپاهیان کورش گشوده می شود. روز ۱۶ تشریتو (= ۱۲ مهرماه) گبرپاس فرمانده سپاهان گوتی (= آشور) از راه بستر رود فرات وارد بابل می شود و شهر را بی خونریزی تصرف می کند. روز سوم ماه Arahšamnu ارخسمنو (= ۱۸ آبان) کورش به بابل می آید.

رجوع کنید به : سیدنی اسمیت

Sidney Smith, Babylonian Historical Texts Relating to the Capture and Downfall of Babylonian. London: Methuen and Co. Ltd. 1924

[۱۸] معنی لغوی: جستجو کردم.

[۱۹] رجوع کنید به زیر نویس ۱۰.

[۲۰] منظور از «یوغ» بیگاری است.

[۲۱] جمله ی «anhussn upasih usaptir sarbasunu» به گونه های مختلفی ترجمه شده از آن جمله:

a) Weissbach: Verfall besserte ich aus, liess aufgraben ihren Einsturz

b) Schrader: ihr Schaden besserte ich aus: ihre sarbu liess ich ofnen

c) oppenheim: I brought relief to their dilapidated hausing, putting (thus) an end to their (main) complaints

A. Leo Oppenheim, Ancient Near Eastern Texts. P 316

d) Paul Richard Berger: schaffte ich Erholung von ihrer Erschopfung, liess ihre fron losen

P. R. Berger "der Kyros - Zylinder mit dem Zusatzfragment BIN II Nr. 32 und die akkadischen Personennamen in Danielbuch". Zeitchrift fur Assyriologic, 64 (Juli, 1975), 199

e) The Assyrian Dictionary, Chicago, Vol. 1/11, p. 120, sub anhutu: I relieve their weariness, unfastening the ropes (they pulled)a

در این مرجع به جای واژه ی «sarbasunu» به اشتباه «sardisunu» به چاپ رسیده.

[۲۲] معنی لغوی : مقام اول.

[۲۳] معنی لغوی : تمامی سرزمین های مسکون.

[۲۴] واژه ی Amurru «آموری» چون به قومی اطلاق می شده که در آغاز هزاره ی دوم پیش از میلاد از سوی غرب رود فرات به بین النهرین مهاجرت کردند، به معنی مطلق «غرب» نیز آمده از این رو گروهی این واژه را در این متن غرب نیز معنی کرده اند.

[۲۵] معنی لغوی: سنگین.

[۲۶] معنی لغوی: پایین افتاده شده بود، رها شده بود.

[۲۷] معنی لغوی : گفتگو کنند.

[۲۸] رجوع کنید به زیر نویس ۱۶.

[۲۹] معنی لغوی: سبب حصار شدن به تمامی نشده بود.

[۳۰] معنی لغوی: [کارهایشا]ن.

[۳۱] معنی لغوی : شاهی که پیش من رونده است.

بن مایه:

فرمان کورش بزرگ به کوشش عبدالمجید ارفعی، فرهنگستان ادب و هنر ایران، شماره ی ۹، سال ۱۳۶۶ - با اندکی تخلص

با سپاس از:

تارنمای آریابوم - نسخه ی اینترنتی فرمان کورش بزرگ به کوشش عبدالمجید ارفعی برای نخستین بار، در پایگاه پژوهشی آریابوم منتشر شده است.

تارنگار پان ترک ستیز

تارنمای ایران بوم

--

برگرفته شده از پردیس اهورا

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «تحلیل منشور کوروش بزرگ»، پارسیان دژ، ۱۳۹۲.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://parsiandej.ir/articles/1301/pdf/تحلیل-منشور-کوروش-بزرگ.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۱۲ مرداد ۱۴۰۵